با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

چراغ‌های گویای راهنمایی رانندگی فعال شوند

یکی از بهترین اقدامات برای کمک به روشندلان‌عزیزی که به تنهایی در سطح شهر تردد می کنند نصب چراغ‌های راهنمایی گویاست. از سنوات قبل چنین چراغ‌هایی در برخی معابر سطح شهر نصب شده که این روزها اغلب‌شان درست کار نمی کنند. یکی از این چراغ‌ها، چراغ راهنمایی واقع در تقاطع خیابان‌های مطهری و سهروردی است که مدت‌هاست خراب است. پیشنهاد می کنم با تعمیر این دسته از چراغ‌ها و نصب تعداد بیشتری از آنها در سطح شهر، حقوق شهروندی روشندلان رعایت شود.

روحانیون از تهران

ایستگاه راه‌آهن ترکمانچای در مسیر میانه - بستان راه‌اندازی شود

مدتی است که راه‌آهن خط میانه - بستان راه‌اندازی شده اما هیچ ایستگاهی برای شهر ترکمانچای که در مسیر این خط قرار دارد تعبیه نشده است. درحالی که این شهر چند هزار نفر سکنه دارد و وجود یک ایستگاه قطار کمک بزرگی به ساکنان آن خواهد کرد. قبلا عنوان شده بود که این شهر حتما دارای ایستگاه راه‌آهن خواهد بود ولی بعد از افتتاح دیدیم خبری از ایستگاه ترکمانچای نیست که واقعا ظلم در حق ساکنان این شهر است.

همتی از ترکمانچای

اقلام مصرفی و یدکی خودرو، با قیمت کمتری در اختیار تاکسیرانان قرار گیرد

لوازم یدکی خودرو به‌قدری گران شده که رانندگان تاکسی جرأت نمی کنند برای تعویض آن اقدام کنند. تاکسیرانان به واسطه شغل‌شان هر روزه و ساعت‌ها رانندگی می کنند و درگیر ترافیک هستند و طبیعتا استهلاک قطعات خودرویشان قابل قیاس با افراد عادی نیست. جا دارد شرکت تاکسیرانی و ارگان‌های مسئول جهت تهیه و تعویض قطعات خودرو برای تاکسیرانان تسهیلات ویژه‌ای درنظر بگیرند.

وحید از تهران

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

چرا به کارمندان بانک وام‌های بیشتری تعلق می گیرد؟

در اینکه هر ارگان و نهادی شرایط و تسهیلات خاص و ویژه‌ای را جهت تشویق کارکنان خود و بالا رفتن انگیزه برایشان درنظر گرفته و تأمین می کند شکی نیست و قاعدتا بانک‌ها هم از این قاعده مستثنی نیستند اما سؤال اینجاست که چرا وام‌هایی با نرخ‌های بالا و به دفعات در طول سال شامل حال کارکنان بانک می‌شود درحالی که مردم عادی برای گرفتن یک وام ۲۰میلیون تومانی باید هفت خان رستم را بگذرانند و سرآخرهم دو برابروام دریافتی را به بانک مسترد کنند؟ این تبعیض و بی‌عدالتی آشکاری است و باید جلوی آن گرفته شود.

خلج از اراک

حجم آپلود پیام‌رسان داخلی «ایتا» را افزایش دهید

مدتی است که پیام‌رسان «ایتا» را روی گوشی‌ام نصب کرده‌ام و انصافا کار راه‌انداز است. ازطراحان این اپلیکیشن داخلی بابت طراحی هوشمندانه و تقریبا بی‌نقص آن تشکر می کنم. تنها مشکل این نرم‌افزار، حجم کم آپلود آن است. یقینا با بالا بردن ظرفیت وحجم آپلود، این اپلیکیشن، جایگزین مناسبی برای پیام‌رسان‌های خارجی مثل واتساپ و تلگرام خواهد شد.

طهورا از تهران

مافیای زباله روستای قمصر را بلعیده است

به‌گفته مسئولان ۲۰۰ مرکز غیرمجاز تفکیک پسماند در روستای قمصر از روستاهای شهرستان در بخش کهریزک فعالیت دارند که باعث آلودگی شدید آب و خاک منطقه شده‌اند، اما تاکنون جلوی این کار گرفته نشده است درحالی که این روستا به‌واسطه نزدیکی به آرادکوه، مزارع ارزشمند سبزی بسیاری داشت که به بهانه کمبود آب با بی‌تدبیری برخی مسئولان و سودجویی سوداگران، یکی پس از دیگری تبدیل به کارگاه بازیافت زباله‌های پلاستیکی شده و امروز کمتر کشاورزی در این روستای قدیمی هنوز هم به شغل آبا و اجدادی خود می‌پردازد. تقاضا می‌شود جلوی ادامه این روند گرفته و باقیمانده روستای قمصر و زمین‌های کشاورزی‌اش حفظ شوند.

قدرتمند از شهرری

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

فکری بنیادی برای پل سیدخندان و ترافیک دائمی آن بکنند

بزرگراه شهید سلیمانی یکی از پرترددترین و پرترافیک‌ترین مسیرهای شرق تهران است که از اتفاق پهنای باند مناسبی دارد و ۴ تا ۵ خودرو می‌توانند همزمان در آن تردد کنند اما مشکل اصلی که عامل ترافیک این مسیر است پل سیدخندان است که به‌صورت قیف عمل کرده و باعث ایجاد ترافیک کیلومتری به‌خصوص در ساعات اوج ترافیک می‌شود.

جا دارد بعد از دهه‌ها از ترافیک دائمی این مسیر تدبیری برای افزایش پهنای باند پل سیدخندان یا ساخت یک پل به موازات آن برای افزایش ظرفیت تردد خودروها کنند تا این مسیر از حالت عملکرد قیف‌گونه بیرون آید و ترافیک روان شود.

راحمی از تهران

موتورسواران امنیت پیاده‌روها را از بین برده‌اند

زندگی در پایتخت این روزها سخت شده است و حتی در پیاده‌رو امینت کافی نیست.

درحالی که عبور موتورسواران از پیاده‌رو هنجارشکنی و خلاف قانون است، سکوت اکثریت جامعه و رسانه‌ها در برابر قانون‌شکنی موتورسواران باعث شده تا زیر پا گذاشتن قانون و ضایع کردن حقوق دیگران به یک اتفاق ساده و مرسوم تبدیل شود تا جایی که قبح آن کاملا از بین رفته است. تعداد زیادی از موتورسواران با هدف دور زدن ترافیک، آزادانه و بدون هیچ نگرانی وارد پیاده‌رو می‌شوند و علاوه بر به خطر انداختن سلامتی و جان عابران، آنها را به وحشت می‌اندازند.

ضروریست در این خصوص تصمیمی جدی و قابل اجرا گرفته شود تا این روال غلط اصلاح شود.

یک شهروند

مردم سبزوار وداع باشکوهی با شهید الداغی داشتند

سنگ تمام برای شهید خوش غیرت

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

«حمیدرضا الداغی، شهید غیرت» این کلیدواژه‌ای است که این روزها در شبکه‌های اجتماعی پرطرفدار شده و همه درباره غیرت و شجاعت حمیدرضا الداغی، جوانی صحبت می کنند که در سبزوار جانش را فدای نجات ۲دختر از دست اوباش کرد. روز گذشته نیز اهالی سبزوار وداع باشکوهی با این شهید انجام دادند و حالا برخورد با عاملان این جنایت به یک مطالبه جدی تبدیل شده است.

به گزارش همشهری، این روزها همه درباره ازخودگذشتگی حمیدرضا الداغی، جوان سبزواری صحبت می کنند. فیلم لحظه‌ای که او با دیدن چند اوباش که قصد ربودن ۲دختر را داشتند با آنها درگیر شد و در این درگیری با ضربات چاقوی آنها به شهادت رسید، هنوز دل هر بیننده‌ای را به درد می‌آورد. به همین دلیل بود که روز گذشته در آیین تشییع پیکر این شهید در سبزوار خیلی از مردم شهر حضور داشتند. مردم آمده بودند تا با خانواده این شهید ابراز همدردی کرده و خواستار مجازات عاملان جنایت شوند.

قاتل شهید الداغی در کانون اصلاح و تربیت

از سوی دیگر تحقیقات قضایی در پرونده شهادت شهید حمید الداغی، همچنان ادامه دارد. به‌گفته رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی هرچند متهمان پرونده ۴نفر هستند، اما متهمان اصلی همان ۲ پسر جوانی هستند که تصاویرشان در فیلم ضبط شده توسط دوربین‌های مداربسته دیده می‌شود. غلامعلی صادقی درباره آخرین روند رسیدگی به این پرونده می گوید: متهمان بعد از دستگیری تفهیم اتهام شدند و برای یک متهم قرار بازداشت موقت، برای متهم دیگر به‌علت اینکه سنش زیر ۱۸سال است قرار نگهداری در کانون اصلاح و تربیت و برای ۲متهم دیگر قرار قانونی متناسب صادر شد. او ادامه می‌دهد: طبق پیگیری‌ها یکی از متهمان این پرونده که در حال حاضر زیر ۱۸سال سن دارد در روز ۱۲آذرماه سال ۱۴۰۰ در یک نزاع دسته جمعی شرکت داشته که منجر به قتل یک نفر شده است. او پس از انجام تحقیقات، با صدور قرار متناسب تا زمان رسیدگی به پرونده‌اش به قید وثیقه آزاد شده بود و اینکه در شبکه‌های اجتماعی اعلام شده که این متهم مشمول عفو اخیر شده است، صحت ندارد. این متهم شامل هیچ‌گونه عفوی نشده و در روز نهم آبان‌ماه سال ۱۴۰۱ با قرار وثیقه تا زمان صدور حکم از سوی دادگاه به‌صورت موقت آزاد شده بود. این پرونده به‌صورت ویژه و با قید فوریت در حال پیگیری است و با عوامل این حادثه تلخ برخورد قاطع صورت خواهد گرفت.

پدرم به همه کمک می‌کرد

از خودگذشتگی و شجاعت حمیدرضا الداغی که تا پای جان از دختر بی‌پناه دفاع کرد خیلی از توجهات را معطوف به دختر او کرده است. دختر ۱۵ساله‌اش درباره این اقدام پدرش می گوید: واقعا چیز زیادی ندارم که بگویم. اصلا نمی‌توانم در این‌باره حرف بزنم اما از همه ممنونم که می آیند پیش‌مان و کمک‌مان می‌کنند. پدرم همیشه همین شکلی بود و این بار اولش نبود که تلاش کرد به مردم کمک کند. بارها من خودم با او در خیابان بودم. به همه کمک می کرد. پدر خیلی خوبی بود.

نمی توانست بی‌غیرتی را ببیند

مادر شهید الداغی که حالا در سوگ فرزندش نشسته نیز می گوید حمیدرضا جای خالی پدرش را در خانه پر کرده بود اما این حادثه او را از این خانواده گرفته است. او می گوید: من معلم بازنشسته هستم. بچه اولم بود. خیلی مهربان بود. جای پدرش را برایم پر کرده بود. رفت بچه‌اش را از کلاس بیاورد و این صحنه را دید و غیرتش اجازه نداد دختر مردم را ببرند. خودش را انداخت جلو. با چاقو به سینه‌اش زدند. سینه‌اش را گرفت. به پشتش زدند، پشتش را گرفت. به گردنش زدند. رفته بود دفاع کند. چون خودش دختر ۱۵ساله داشت. نمی‌توانست بی‌غیرتی‌ها را ببیند و تحمل کند. نه بسیجی بود و نه جهادی بود. شرف داشت. سربلندم کرد. غیرت چیزی است که باید در خون آدم باشد.

ناگفته‌های همسر شهید

همسر شهید حمیدرضا الداغی که این روزها عزادار شهادت ناجوانمردانه شوهرش است می گوید: وقتی خدا بخواهد یک نفر را عزیز کند هیچ‌کس نمی تواند مانع آن شود. شاید هیچ‌وقت حمیدرضا در زندگی‌اش فکر نمی کرد که روزی اسمش حتی از دو کوچه آن‌طرف‌تر هم شنیده شود اما الان تمام ایران و تمام دنیا او را می‌شناسند.

او ادامه می‌دهد: حمید تصور می کرد اگر آن لحظه برای دختر خودش این اتفاق می‌افتاد آیا کسی بود که کمکش کند؟ آن دختر را به جای دختر خودش گذاشته است. چون من می‌دانم که دخترش برایش ارزشمندترین چیز در دنیا بود. تنها چیزی که حمید در دنیا به‌خاطرش زنده بود دخترش بود. این یعنی آخر مردانگی و غیرت و هیچ‌کس نمی تواند این را چه داخل کشور و چه خارج از کشور به موضوع دیگری نسبت بدهد.

همسر شهید در ادامه می گوید: من به‌عنوان همسر شهید الداغی اجازه نمی‌دهم خونش پایمال شود، اجازه نمی‌دهم به‌غیر از غیرت و جوانمردی اسم دیگری برای خونی که ریخته شد گذاشته شود. کاری به سیاست ندارم. طوری که حمید رفت، دلیلی که حمید رفت هیچ حرف و حدیثی نمی تواند به‌همراه داشته باشد و کسی نمی تواند حرفی بزند، مسلمان و کافر بی‌دین، خارجی و ایرانی، فیلم حادثه را که نگاه کنند به حقانیت حمید و موضوع پی می‌برند.

او در ادامه می گوید: من به همسرم افتخار می کنم و نمی دانم از خدا چطور تشکر کنم که این عزت را به همسرم داد و این افتخار را شامل حال ما کرد. از همه کسانی که دارند برای بزرگ کردن خاطره این راه کمک می کنند تشکر می کنم. ان‌شاءالله از این اتفاقات در مملکت‌مان نیفتد و من خواهش می کنم از مسئولان بیشتر حواس‌شان باشد، این جوانان اگر از زندان آزاد نمی‌شدند و اگر موقعیتی مجدد برایشان پیش نمی آمد شاید حمید الان زنده بود. همسر داغدار شهید الداغی ادامه می‌دهد: امر به معروف و نهی از منکر مگر چیست؟ به‌غیر از این؛ اگر معنی جهاد، شهادت و امر به معروف واقعی وجود داشته باشد همین است. بدون هیچ سوءاستفاده‌ای، تنها وجدان و مردانگی و غیرت خود حمید بود که رفت جلو و به‌نظرم چیزی که خدا از همه آدم‌ها و در دفاع از مظلومیت می‌خواهد فقط همین است.

با اعترافات سارق تحت تعقیب، اسرار خانه عجیبی که پاتوق تبهکاران بود فاش شد

سارقی که خودش مالباخته شد

دادسرا

سارق حرفه‌ای منازل که تحت تعقیب پلیس بود پس از دستگیری اسرار یک زن که رئیس پاتوق مجرمان بود و با خلافکاران کار می کرد را فاش کرد تا از او که سرش را کلاه گذاشته بود انتقام بگیرد.

به گزارش همشهری، چند روز پیش مأموران پلیس پایتخت، پسری جوان به نام بهرام را به اتهام سرقت دستگیر کردند. او یک مجرم سابقه‌دار بود که بارها به اتهام جرایم مختلف زندانی شده بود. وی آخرین عضو یک باند سرقت بود که به‌صورت سریالی به خانه‌های پایتخت دستبرد می‌زدند و به‌دلیل اینکه لاغر و قدبلند بود به راحتی می‌توانست از دیوار بالا برود و از طریق بالکن وارد خانه‌ها شود. بهرام ماه‌ها فراری بود تا اینکه مأموران با اقدامات تخصصی موفق شدند مخفیگاه او را شناسایی و وی را در یک عملیات ضربتی دستگیر کنند.

خودم مالباخته‌ام

بهرام در بازجویی‌ها علاوه بر اعتراف به سرقت‌های سریالی، اسرار یک زن که رئیس یک گروه تبهکاران بود را فاش کرد و گفت که این زن سرش را کلاه گذاشته است.

وی توضیح داد: من بارها به اتهام دستبرد به خانه‌ها دستگیر و زندانی شده بودم تا اینکه مدتی قبل با دختری به نام سحر آشنا شدم. چنان دلباخته او شدم که تصمیم گرفتم دور خلاف را خط بکشم و مسیر زندگی‌ام را تغییر دهم. از سوی دیگر نمی‌خواستم به سحر بگویم که یک مجرم سابقه‌دار هستم. به همین دلیل تصمیم گرفتم هویتم را تغییر بدهم و با هویت جدید، زندگی جدیدی و دور از خلاف شروع کنم.

وی ادامه داد: یکی از دوستانم، زنی به نام شهره را به من معرفی کرد. او می گفت که شهره با افراد خلافکار کار می کند و می‌تواند برای من یک شناسنامه، کارت ملی و پاسپورت جعلی تهیه کند. من هم نزد شهره رفتم و از طریق او با مردی آشنا شدم که تخصص‌اش جعل و کلاهبرداری بود. این مرد ۲۰میلیون تومان از من گرفت و قرار شد ظرف ۴۸ساعت مدارک را تحویلم بدهد اما ۲هفته گذشت و خبری نداشت. هربار به سراغ شهره می‌رفتم بهانه می‌آورد و امروز یا فردا می کرد. کم‌کم متوجه شدم که سرم را کلاه گذاشته‌اند اما چون تحت تعقیب پلیس بودم، نمی‌توانستم شکایتی علیه این زن مطرح کنم تا اینکه در نهایت پلیس دستگیرم کرد و حالا تصمیم گرفتم شهره و افرادی که با او کار می کنند را لو بدهم.

بازداشت رئیس پاتوق خلافکاران

پس از اعترافات سارق سابقه‌دار و اطلاعاتی که وی در اختیار پلیس قرار داد، مأموران راهی خانه زن جوان شدند و او را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کردند. علاوه بر این زن، چند مرد خلافکار دیگر که سابقه‌دار بودند و در زمینه جعل، کلاهبرداری و سرقت فعالیت داشتند در خانه وی دستگیر شدند. همچنین در بازرسی آنجا موادمخدر، لوازم سرقتی، نقشه‌های سرقت، مهر و مدارک جعلی و... کشف شد. متهمان برای انجام تحقیقات به اداره آگاهی تهران منتقل شدند. شهره در بازجویی‌ها گفت که فقط خانه‌اش را به افراد تبهکار اجاره می‌داد و نقشی در جرایم آنها نداشت. زن جوان برای انجام تحقیقات بیشتر و شناسایی جرایم احتمالی از سوی وی، به دستور بازپرس دادسرای ویژه سرقت در اختیار مأموران اداره آگاهی تهران قرار گرفته است.

گفت‌وگو

اجاره بهای سنگین خانه خلافکاران

شهره زنی ۳۸ساله و سابقه‌دار است. او می گوید نقشی در سرقت، کلاهبرداری و جعل نداشته و فقط خانه‌اش را به‌صورت ساعتی به افراد خلافکار اجاره می‌داده است.

چه شد که تصمیم گرفتی خانه‌ات را اجاره بدهی؟

چون پولش خوب بود. هر یک‌ساعت به اندازه یک‌ماه اجاره خانه بود. من زن ولخرجی هستم و از سوی دیگر چون سابقه‌دار هستم نمی‌توانم کار مناسب پیدا کنم.

از سوابقت بگو؟

از جیب‌بری تا سرقت و زورگیری. پرونده‌ام سیاه است. اوایل در جاهای شلوغ جیب‌بری می‌کردم. بعد دستگیر شدم و به زندان افتادم. پس از آزادی عضو یک گروه خلافکار شدم که زنان را طعمه قرار می‌دادند. من و چند زن دیگر سر راه رانندگان قرار می‌گرفتیم و با فریب آنها وارد خانه‌هایشان می‌شدیم. سپس بیهوششان می‌کردیم و خانه‌هایشان را خالی می‌کردیم. این بار هم دستگیر شدم اما پس از آزادی تصمیم گرفتم دیگر خلاف نکنم. این بود که خانه‌ام را به تبهکاران اجاره می‌دادم تا خرج زندگی‌ام تامین شود.

خانه برای خودت است؟

بله. سال‌ها قبل با پول دزدی آن را خریدم. بعد از آن شروع کردم به ساخت اتاقک در حیاط تا آن را اجاره بدهم. مجرمان می‌آمدند آنجا که نقشه سرقت یا کلاهبرداری بکشند.

چه شد که تبدیل به یک خلافکار شدی؟

مشکلات زندگی. ۱۶ساله بودم که به زور مرا پای سفره عقد نشاندند. همسرم یک قاچاقچی حرفه‌ای بود که مدتی بعد از ازدواج دستگیرش کردند و اعدام شد. من هم از شهرمان فرار کردم و برای کار به تهران آمدم. بعد ناچار شدم برای تامین مخارج زندگی دزدی کنم.

ظاهرا سر یک سارق را کلاه گذاشتی؟

من کلاه نگذاشته‌ام، سعید جاعل سرش را کلاه گذاشت. حالا هم غیبش زده و فرار کرده. وقتی دیدم سعید جاعل غیبش زده می‌خواستم پول سارق را پس بدهم اما او زودتر دستگیر شد و مرا لو داد.

۴ قاتل سحرگاه امروز پای چوبه دار

جنایی

قاتل وحید مرادی، شرور مطرح کشور و «حسین غول»، شرور معروف شرق تهران به همراه ۲محکوم به قصاص دیگر، سحرگاه امروز پای چوبه دار می‌روند.

به گزارش همشهری، نخستین فردی که قرار است پای چوبه دار برود، مردی به نام سعید است. او به اتهام قتل وحید مرادی، شرور معروف کشور که لقب عقاب ایران را روی خودش گذاشته بود به قصاص محکوم شده است. سعید یازدهم تیرماه سال ۹۷ در زندان دست به جنایت زد. آن روز در جریان درگیری بین ۲ گروه از زندانیان در یکی از بندهای زندان رجایی‌شهر، یکی از زندانیان به نام وحید مرادی به قتل رسید. وحید از چندی قبل به اتهام قتل یکی از دوستانش در منطقه ولنجک دستگیر و در زندان رجایی‌شهر به سر می‌برد. به‌دنبال قتل این شرور معروف و انجام تحقیقات معلوم شد که یکی از زندانیان به نام سعید، عامل اصلی قتل است. او مردی بود که از ۲سال پیش از این حادثه به اتهام قتل مردی با شلیک اسلحه شکاری در منطقه بی‌سیم به زندان افتاده بود و حالا با قتل وحید مرادی دومین جنایت در پرونده‌اش را به ثبت رسانده بود. سعید به اتهام ۲فقره قتلی که مرتکب شده بود به قصاص محکوم شده اما چندی قبل توانسته بود رضایت اولیای دم قتل اول را جلب کند. با این حال پدر وحید مرادی حاضر به گذشت نشد و او سحرگاه امروز پای چوبه دار می‌رود.

دومین فردی که قرار است امروز پای چوبه دار برود، حسین نام دارد و به غول معروف است. وی به‌دلیل هیکل درشت و وزن سنگینش به غول معروف شده و از سال‌ها قبل دارای سوابق زیادی بوده و از اراذل و اوباش سابقه‌دار و سطح یک محدوده شرق تهران به شمار می‌رفت. حسین بعدازظهر سوم خرداد سال ۹۸ در خیابان صفا حوالی میدان امام حسین و در جریان درگیری، پسری را با شلیک گلوله به قتل رساند و پدرش را زخمی کرد. هرچند وی پس از جنایت خودش را به مرز رسانده بود تا فرار کند، اما پلیس موفق شد او را پیش از خروج از کشور دستگیر کند. وی در بازجویی‌ها به شلیک مرگبار و قتل اعتراف کرد و گفت با مقتول دچار اختلاف شده بود، اما به‌خاطر رفاقت دست به جنایت زد. وی می گفت که مقتول با دوستش دچار اختلاف شده بود و او تلاش کرد تا آشتی‌شان بدهد، اما همین موجب شد تا مقتول با او دچار مشکل شود و با هم درگیری داشتند تا اینکه دست به جنایت زد. حکم قصاص غول قاتل قطعی شده و به شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران فرستاده شده است. نام وی در لیست اعدامی‌های روز چهارشنبه سیزدهم اردیبهشت‌ماه قرار گرفته و وی امروز پای چوبه دار می‌رود.

سومین محکوم در سال ۸۹ در جنوب تهران مردی جوان را به قتل رساند. ماجرا از این قرار بود که دعوای قاتل و مقتول بر سر یک انگشتر و فروش آن بوده است. عامل جنایت در درگیری جان مقتول را گرفت و پس از دستگیری و محاکمه در دادگاه به قصاص محکوم شد. با قطعی شدن رأی این مجرم، نام وی نیز در فهرست اعدامی‌ها قرار گرفته و او امروز پای چوبه دار می‌رود.

اما چهارمین مردی که امروز پای چوبه دار می‌رود مردی است که همسر، فرزند و پدر همسرش را به قتل رساند و به قصاص محکوم شد. حکم قصاص وی قطعی و قابل اجرا شده تا مرد اعدامی سرنوشتش امروز پای چوبه دار مشخص شود.

کوتاه از حادثه

کشف ۷جسد در جست‌وجوی ۲دختر گمشده

ماموران پلیس اوکلاهاما که در جست‌وجوی ۲دختر نوجوان گمشده بودند با اجساد ۷نفر از جمله دختران گمشده روبه‌رو شدند. به گزارش همشهری به نقل از رویترز، این حادثه در روستایی با جمعیت ۶هزار نفر در اوکلاهاما آمریکا رخ داد. ماجرا از این قرار بود که پدر دختری ۱۶ساله به نام بریتنی روز دوشنبه نزد مأموران پلیس رفت و گفت که دخترش گم شده است. او توضیح داد که دخترش قرار بود تعطیلات آخر هفته را با خانواده یکی از دوستانش به نام مک‌فادن به سفر بروند و یکشنبه به خانه برگردد اما هنوز از او خبری نیست و تلفن همراهش نیز خاموش است.

با اظهارات این مرد تحقیقات پلیس برای یافتن دختر گمشده آغاز اما خیلی زود معلوم شد که بریتنی تنها دختر گمشده نیست. مأموران متوجه شدند که علاوه بر بریتنی، یکی دیگر از دوستان او به نام آیوی ۱۴ساله نیز قرار بوده تعطیلات آخر هفته را همراه خانواده مک‌فادن به سفر برود اما حالا هر دو دختر نوجوان ناپدید شده بودند. با این اطلاعات تصاویر دختران گمشده توسط پلیس در رسانه‌ها منتشر و تحقیقات برای یافتن آنها آغاز شد. مأموران در ادامه به بررسی درباره خانواده مک‌فادن پرداختند و به اطلاعات نگران کننده‌ای دست یافتند. تحقیقات نشان می‌داد که پدر این خانواده یک مجرم جنسی و تحت تعقیب پلیس بوده است. سوابق زندان اوکلاهاما از این حکایت داشت که مک فادن در سال ۲۰۰۳ به تجاوز جنسی درجه یک محکوم شده و به زندان افتاده و در اکتبر ۲۰۲۰ آزاد شده بود. همچنین سوابق دادگاه نشان می‌داد که مک فادن قرار بود روز دوشنبه هفته جاری برای شروع محاکمه به اتهام درخواست رفتار جنسی با یک دختر خردسال در دادگاه حاضر شود.

به دست آمدن این اطلاعات نگرانی پلیس درباره سرنوشت دختران گمشده را که قرار بود با خانواده مک‌فادن به سفر بروند، دو چندان کرد. تحقیقات آنها ادامه داشت تا اینکه مأموران پلیس از طریق موبایل پدر خانواده مک‌فادن، موقعیت او را در یکی از روستاها شناسایی کردند. آنها در ادامه به خانه‌ای روستایی رسیدند که متعلق به مک‌فادن بود و راهی آنجا شدند. اما پس از ورود به داخل این خانه، با صحنه‌ای هولناک روبه‌رو شدند. آنها بقایای اجسادی را پیدا کردند که متعلق به ۷نفر بود.

به‌گفته کلانتر محلی، در این خانه جسد ۷ نفر از جمله بقایای ۲دختر گمشده و همچنین پدر خانواده مک‌فادن که یک مجرم جنسی و تحت تعقیب پلیس بود، کشف شد. بقیه اجساد نیز به‌نظر می‌رسد متعلق به خانواده مک‌فادن هستند که به طرز فجیعی کشته شده‌اند.

ادی رایس، کلانتر شهرستان اوکمولگی، جایی که حادثه در آنجا رخ داده نیز گفته است که پزشک ایالتی باید هویت قربانیان را تأیید کند، اما ما معتقدیم که دختران گمشده در میان قربانیان هستند. او از ارائه جزئیات در مورد چگونگی مرگ آنها یا جزئیات دیگر خودداری کرد.

درخواست ۳هزار دلار برای آزادی گروگان ۱۳ساله

پلیس پایتخت در جست‌وجوی آدم‌ربایانی است که با گروگان گرفتن پسر ۱۳ساله افغان، درخواست ۳هزار دلار برای آزادی او کردند. به گزارش همشهری، پسری ۱۳ساله که اهل کشور افغانستان است و مدتی قبل برای کار به ایران سفر کرده بود، روز بیست و هشتم فروردین‌ماه برای شرکت در یک مهمانی از محل کارش در یکی از رستوران‌های تهران خارج شد و از آن پس به طرز مشکوکی ناپدید شد. یک روز بعد آدم ربایان با خانواده پسر نوجوان از طریق یکی از شبکه‌های مجازی تماس گرفته و اعلام کردند که اگر ۳هزار دلار تهیه نکنند جانش را می‌گیرند. با شکایت خانواده این پسر نوجوان، پرونده‌ای تشکیل شده و به دستور قاضی عظیم سهرابی، بازپرس دادسرای جنایی تهران، تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه گروگانگیران شروع شد. دیروز پدر این نوجوان برای پیگیری پرونده راهی دادسرا شد و درباره تازه‌ترین جزئیات حادثه ربودن پسرش گفت: ما در افغانستان ساکن بودیم اما حدود یک سال قبل برای کار به ایران آمدم. من در شیراز کارگری می‌کنم و پسر ۱۳ساله‌ام در یک رستوران در تهران کار می‌کرد. او شب‌ها را هم در رستوران می‌ماند تا اینکه او را ربودند و ما به‌شدت نگران وضعیت او هستیم.

وی ادامه داد: پسرم آخرین بار روز بیست و هشتم فروردین‌ماه به دوستانش که در رستوران کار می‌کنند گفته که شب مهمانی دعوت است. آنطور که پسرم گفته مهمانی همشهریانمان بوده است اما اسم و مشخصات میزبان را نگفته و رفته است. فردای آن شب یعنی روز بیست و نهم فروردین در ایمو عکس و فیلم‌های شکنجه پسرم را برایم فرستادند که نشان می‌داد افرادی او را گروگان گرفته‌اند. آدم ربایان حتی تماس تصویری با من می‌گرفتند و با نشان دادن وضعیت پسرم که خون آلود بود تهدید می‌کردند اگر ۳هزار دلار تهیه نکنم جان پسرم را می‌گیرند. پدر گروگان ادامه داد: در یکی از فیلم‌ها با چوب بر سرش می‌کوبند و پسرم دچار خونریزی می‌شود. در فیلم دیگر با چاقو او را زخمی می‌کنند و پسرم التماس می‌کند که دست از سرش بردارند. حالا من به‌شدت نگران وضعیت او هستم و می‌ترسم مبادا بلایی بر سرش بیاورند. از طرفی من یک کارگر ساده هستم که در آمد بالایی ندارم. نمی‌توانم این مبلغ را تهیه کنم و امیدوارم زودتر پسرم از دست آدم ربایان نجات پیدا کند. تحقیقات کارآگاهان به شکل ویژه ادامه دارد تا به‌زودی گروگانگیران شناسایی و دستگیر شوند و انگیزه اصلی آنها مشخص شود.